

بررسی تطبیقی و تحلیلی دو ترجمه انگلیسی صحیفه سجادیه

دکتر سالار منافی اناری *

چکیده:

ترجمه آثار اصیل اسلامی به زبان‌های زنده دنیا اگر به طور درست و دقیق صورت گیرد می‌تواند وسیله مناسبی برای توسعه افکار و عقاید اسلامی در جهان باشد و لذا بررسی تطبیقی و تحلیلی این ترجمه‌ها به منظور ارزشیابی میزان تعادل معنایی، تطابق سبکی و تناسب واژگانی آنها با متون اصلی از ضروریات است. یک ترجمه ممکن است متنی سلیس و قابل فهم و زبانی طبیعی و درست داشته باشد؛ اما از نظر معنی و مفهوم متفاوت از متن اصلی باشد و این تفاوت وقتی قابل تشخیص است که ترجمه به طور تحلیلی با متن اصلی تطبیق داده شود. به همین سبب است که در ترجمه متون دینی، وفاداری به متن اصلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقاله حاضر تلاشی است در بررسی تطبیقی و تحلیلی قسمت‌هایی از چند جای مختلف دو ترجمه انگلیسی صحیفه سجادیه. ترجمه اول از سید احمد علی موهانی و ترجمه دوم از ویلیام سی‌چیتیک است. این بررسی نشان می‌دهد به طور نسبی در هر دوی این ترجمه‌ها تلاش زیاد و دقت بسیار در انتقال مفاهیم متن اصلی صورت گرفته و هریک از آنها در نوع خود ادبی و عرفانی زیبایی در زبان انگلیسی به شمار می‌روند؛ اما هیچ‌کدام از آن دو شکوه و زیبایی ظاهری و عمق و غنای معنایی و معنوی متن اصلی را ندارد؛ زیرا بسیاری از ویژگی‌های متن اصلی قابل انتقال به هیچ ترجمه‌ای نیست.

کلید واژه‌ها: تعادل معنایی، تطابق سبکی، تناسب واژگانی، تعادل تقریبی، تطبیق تحلیلی، تعدیل معنایی، تعدیل ساختاری.

مقدمه:

در دنیای امروز که ارتباطات بین ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف به سرعت در حال گسترش است، اهمیت ترجمه بیش از پیش روشن شده و مطالعات ترجمه مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. ترجمه شاهکارهای ادبی جهان به زبان‌های زنده دنیا نشان می‌دهد که بزرگان علم و ادب و فرهنگ در تاریخ بشر گرچه در جاهای مختلف دنیا زیسته و هر کدام متعلق به یک ملت و فرهنگ خاص بوده‌اند، افکار آنان نمی‌تواند برای همیشه در میان ملت‌های خودشان محصور و محبوس بماند. به بیان دیگر باید گفت که ترجمه وسیله‌ای برای گسترش اندیشه‌های اندیشمندان جهان در میان ملت‌ها و جوامع مختلف است. همین امر اینجاست که ترجمه از اهمیت خاصی برخوردار شود و توجه بیشتری به آن مبذول گردد تا این وسیله مهم ارتباطی به طور صحیح مورد استفاده قرار گیرد و انتشار افکار متفکران عالم از این طریق به طور دقیق و درست انجام شود؛ لذا ترجمه آثار اصیل اسلامی به زبان‌های مختلف می‌تواند وسیله مناسبی برای گسترش افکار اسلامی در جهان باشد؛ مشروط بر اینکه کار ترجمه به درستی و با دقت تمام انجام شده باشد و به همین سبب است که بررسی تطبیقی و تحلیلی ترجمه‌های آثار اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

ارزشیابی ترجمه متون دینی:

کتاب صحیفه سجّاده که مجموعه‌ای از دعاها و نیایش‌های امام سجّاد علیه‌السلام است از آثار معتبر اسلامی است که تاکنون بارها به زبان‌های مختلف - از جمله زبان انگلیسی - ترجمه شده است. گرچه هیچ ترجمه‌ای هرگز نمی‌تواند تمام زیبایی، ظرافت و فصاحت و بلاغت متن اصلی را داشته باشد، ترجمه این کتاب - اگر درست و دقیق باشد - می‌تواند نقش مهمی در شناساندن فرهنگ معنوی اسلام و نحوه ارتباط با خدا ایفا کند. کلام اصلی امام سجّاد که در جاهای مختلف آن از کلام‌الله نیز استفاده شده است ویژگی، قداست و معنویت خاص خود را دارد و هیچ کدام از این‌ها

قابل انتقال به ترجمه نیست؛ بنابراین، علاوه بر ویژگی‌های زبانشناختی، ویژگی‌های فرا زبانشناختی نیز در این کتاب وجود دارد که از طریق ترجمه به زبان‌های دیگر منتقل نمی‌شود.

همان‌طور که روش ترجمه با در نظر گرفتن نوع متن اصلی و هدف ترجمه تعیین می‌شود، معیارهای نقد و بررسی ترجمه نیز با توجه به نوع متن اصلی و هدف ترجمه متفاوت است؛ برای مثال، در ترجمه متون «محتوا محور» هدف اصلی ترجمه باید انتقال محتوای پیام متن اصلی به زبان مقصد باشد؛ زیرا ترجمه کلمات و بازنویسی صورت و ساختار متن اصلی در زبان مقصد در این‌گونه متون غالباً نتیجه مطلوبی ندارد؛ اما در ترجمه متون «صورت محور» انتقال زیبایی‌های صوری و ساختاری متن اصلی نیز همانند انتقال معنی آن به زبان مقصد مهم است. به طور کلی، در ارزشیابی کیفیت یک ترجمه، معیار همان متن اصلی است؛ یک ترجمه ممکن است متنی سلیس و روان و زبانی طبیعی و مطابق با معیارهای زبان مقصد داشته باشد، اما معنی و مفهوم آن متفاوت از معنی و مفهوم متن اصلی باشد؛ بنابراین، گرچه سلاست و صراحت و طبیعی بودن زبان در ترجمه لازم است، کافی نیست، بلکه مطابقت معنی ترجمه با معنی متن اصلی نیز ضروری است و میزان این مطابقت هم فقط از طریق تطبیق تحلیلی و قسمت به قسمت ترجمه با متن اصلی مشخص می‌گردد. یعنی هر قسمت از ترجمه که از دیدگاه زبانشناسی دارای یک واحد معنایی است باید با قسمت مربوط در متن اصلی مقابله شود تا تعادل معنایی و تطابق سبکی هر یک از واحدهای معنایی ترجمه مورد ارزیابی قرار گیرد. این نوع ارزشیابی ترجمه که رویکردی زبانشناختی (linguistic approach) به نقد و بررسی ترجمه است، معمولاً در ارزشیابی ترجمه‌های متون حساس مانند متون دینی، ادبی، فنی و نظایر آن به کار می‌رود و معیار تشخیص میزان درستی ترجمه، میزان تعادل معنایی و تطابق سبکی آن با متن اصلی است و لذا در این رویکرد، متن اصلی ترجمه از اهمیت خاصی برخوردار است و هر نوع انحراف از متن اصلی، چه از نظر معنی و چه از نظر سبک، بی‌دقتی در ترجمه به حساب می‌آید.

اما امروزه در میان صاحبان نظران مطالعات ترجمه رویکردی نقش‌گرا (function-based approach) نیز نسبت به ترجمه و نقد و بررسی آن وجود دارد. در این نظریه - که عمدتاً از دیدگاه دانشمندان مطالعات ترجمه در آلمان است - هدف ترجمه در تعیین روش ترجمه نقش اساسی دارد؛ یعنی روش ترجمه با توجه به نقشی که برای ترجمه در زبان مقصد در نظر گرفته می‌شود تعیین می‌گردد و لذا کسی هم که چنین ترجمه‌ای را نقد و بررسی می‌کند باید با توجه به نقش تعیین شده برای ترجمه، آن را مورد ارزیابی قرار دهد. به دو ترجمه متفاوت انگلیسی از دو متن فارسی که کلمات یکسان ولی سبک متفاوت دارند توجه کنید:

۱. آنجا که آب است تیمم باطل است. (حکم فقهی)

1. Dry ablution is invalid when water is available.

۲. تیمم باطل است آن جا که آب است. (ضرب المثل)

2. When one has the original, why use the substitute?

ترجمه انگلیسی اول نشان می‌دهد که متن فارسی، متن تخصصی دینی از احکام فقه اسلامی است و لذا ترجمه آن با در نظر گرفتن معانی اصطلاحات فقهی و ساختار زبان‌شناختی متن اصلی صورت گرفته است؛ اما ترجمه دوم گویای این است که متن فارسی ضرب‌المثل در نظر گرفته شده و لذا در ترجمه، ضرب‌المثل معادل آن در زبان انگلیسی استفاده شده است. نقشی که جمله فارسی دوم - به عنوان ضرب‌المثل - در زبان فارسی ایفا می‌کند، در واقع مترادف یا معادل همان نقشی است که ترجمه انگلیسی دوم در زبان انگلیسی دارد. در این معادل‌یابی هیچ توجهی به ترجمه تک‌تک کلمات و اصطلاحات تخصصی فقهی نشده است؛ زیرا کل جمله به عنوان یک واحد در نظر گرفته شده و معادلی برای کل آن عرضه شده است. این روش در ترجمه متون تخصصی دینی روش درستی نیست؛ زیرا در متون دینی علاوه بر تک‌تک کلمات و اصطلاحات، سبک متن اصلی نیز مهم است؛ لذا در ارزشیابی ترجمه متون دینی نه فقط به تعادل معنایی بلکه تطابق سبکی نیز حائز اهمیت است.

اصطلاحات تخصصی مورد استفاده در بررسی تطبیقی و تحلیلی ترجمه:

در بررسی تطبیقی و تحلیلی هر ترجمه، اصطلاحات فنی متعددی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای آنکه بررسی تطبیقی و تحلیلی ما در ترجمه‌های انگلیسی صحیفه سجّادیه مبتنی بر اصول علمی، فنی و تخصصی باشد، ابتدا به برخی از این اصطلاحات تخصصی اشاره می‌کنیم:

۱. تعادل (equivalence): از آنجا که تساوی کامل بین معانی کلمات و ساختارهای جملات دو زبان مختلف هرگز ممکن نیست، دست یابی به تعادل کامل در ترجمه بین زبانی هم امکان‌پذیر نمی‌باشد. عبدالرؤوف (۲۰۰۱: ۷) از بل (Bell, ۱۹۹۱) نقل می‌کند که گفته است: «تصور تعادل کامل یک خیال واهی است». یوجین نایدا (Eugene Nida)، از صاحب‌نظران معروف ترجمه، به‌ویژه ترجمه کتاب مقدس، می‌نویسد: «تطابق کامل بین زبان‌ها غیر ممکن است و لذا ترجمه کاملاً دقیق هم امکان‌پذیر نیست. این امکان هست که مفهوم کلی یک ترجمه به طور معقول به متن اصلی نزدیک باشد اما برابری کامل (identity) در جزئیات امکان ندارد» (۱۹۶۴: ۱۵۶). وی در ادامه به نقل از کنستانس بی‌وست (C.B. West) می‌افزاید: «کسی که انجام دادن ترجمه‌ای را به عهده می‌گیرد دینی را متقبل می‌شود که ادای آن دین باید نه با همان پول اصلی بلکه با مبلغی که ارزش یکسان با آن دارد صورت گیرد» (همانجا). این بدان معنی است که ترجمه نمی‌تواند عین متن اصلی بوده، برابری کامل با آن داشته باشد؛ بلکه می‌تواند با متن اصلی از نظر معنایی معادل بوده، با آن ارزش یکسان داشته باشد. اصطلاح انگلیسی equivalence نیز (که مرکب از equ- به معنی یکسان و valence به معنی ارزش است) به همان معنی «ارزش یکسان» است. کلمه تعادل هم همین معنی را دارد. پس تعادل بین ترجمه و متن اصلی وقتی برقرار است که ترجمه از نظر معنایی، ارزش یکسان با متن اصلی داشته باشد؛ یعنی با آن معادل، مترادف، هم‌معنی و یا هم‌ارزش باشد.

۲. تطابق (correspondence): گرچه اصطلاح تطابق معمولاً کمتر از تعادل مورد

استفاده قرار می‌گیرد، از دیدگاه ناپدا (همانجا) مفهومی وسیع‌تر از تعادل دارد و شامل تعادل پویا و تعادل صوری می‌شود. تطابق به رابطه عناصر ترجمه با عناصر مترادف آن‌ها در متن اصلی بر می‌گردد و از دیدگاه کاتارینا رایس (K.Reiss) مربوط به مطابقت سبک ترجمه با سبک متن اصلی می‌شود. بر اساس این نظریه، ترجمه وقتی می‌تواند با متن اصلی تطابق داشته باشد که سبک آن در زبان مقصد مطابق با سبک متن اصلی در زبان مبدا باشد. از نظر کولر (Koller) تطابق، همان تشابه صوری بین ترجمه و متن اصلی است. از دیدگاه هولمز (Holmes) ترجمه می‌تواند در هر سه مورد معنی، صورت و نقش با متن اصلی مطابقت داشته باشد.

۳. تناسب (adequacy): تناسب گاهی مترادف تعادل، گاه به جای آن و گاهی متفاوت با آن به کار می‌رود و معمولاً مفهومی ضعیف‌تر و سست‌تر از تعادل دارد؛ بنابراین، از یک دیدگاه، ترجمه معادل ترجمه‌ای است که ارزش یکسان با متن اصلی دارد؛ اما ترجمه متناسب ترجمه‌ای است که دارای ارزش معنایی مشابه با متن اصلی است و لذا رابطه آن با متن اصلی ضعیف‌تر و سست‌تر از وقتی است که بین آن دو تعادل برقرار است. در این دیدگاه، هر ترجمه ممکن است از یک نظر متناسب باشد؛ اما معادل متن اصلی نباشد و این وقتی است که هدف ترجمه فقط ایفای نقش متن اصلی در زبان مقصد است و نه ارائه معنی عناصر سازنده آن. اصطلاح تناسب در این معنی بیشتر به این نکته اشاره دارد که در فرایند ترجمه، مترجم می‌تواند به انتقال جنبه‌های اساسی و ضروری متن اصلی بسنده کند و برای تأمین این منظور از انتقال جزئیات صرف‌نظر نماید؛ یعنی نقل جزئیات را فدای رسایی کلیات اساسی و ضروری کند. پس ترجمه متناسب می‌تواند از برخی لحاظ معادل متن اصلی باشد.

اما توری (Toury، ۱۹۸۰) در مورد مفهوم تناسب در ترجمه، نظر دیگری دارد. از دیدگاه وی ترجمه متناسب ترجمه‌ای است که در آن ویژگی‌های ساختاری متن اصلی تا آنجا که ممکن است حفظ می‌شود و فقط تغییرات ضروری صورت می‌گیرد و لذا چنین ترجمه‌ای ممکن است از برخی لحاظ با معیارهای زبان‌شناختی و

ادبی زبان مقصد سازگار نباشد.

رایس (Reiss) معتقد است اگر میزان برای قضاوت در مورد مؤلفه‌های معنایی ترجمه، یکسان بودن تمام آن با متن اصلی باشد، آن وقت معیار برای ترجمه مؤلفه‌های واژگانی باید «متناسب بودن» (adequacy) باشد (نه ترجمه تحت‌اللفظی). ترجمه تحت‌اللفظی یا کلمه به کلمه - که غالباً در زبان مقصد مورد نظر است - نمی‌تواند معیار معقولی باشد؛ زیرا واژگان دو زبان (با توجه به تفاوت‌های ساختاری و مفهومی که دارند) نمی‌توانند به سادگی انطباق کامل با یکدیگر داشته باشند؛ بنابراین، داور ترجمه باید مشخص کند که آیا مؤلفه‌های واژگانی متن اصلی به طور متناسب به زبان مقصد، ترجمه شده‌اند یا نه (ترجمه انگلیسی رودز [۵۷: ۲۰۰۰، Rhodes و ۵۸]).

۴. درستی (correctness): کلمه درست در اینجا در مقابل کلمه غلط به کار می‌رود و مربوط به عناصر دستوری ترجمه است؛ یعنی ترجمه درست آن است که از نظر دستور زبان مقصد درست است و غلط دستوری ندارد.

۵. تعدیل ساختاری (structural adjustment): از آنجا که ساختارهای زبانشناختی هر زبانی با زبان‌های دیگر متفاوت است، لذا در فرایند ترجمه برخی تعدیلات و تغییرات ساختاری ضروری است تا متن ترجمه بر اساس معیارهای متداول در زبان مقصد به طور طبیعی بیان شود؛ مانند تغییر و تعدیل در ساختار کلمات و جملات ترجمه. از نظر نایدا و تیبر (۱۹۶۹) تعدیل ساختاری، هر نوع تغییر در ساختار زبانشناختی کلمات و جملات را در بر می‌گیرد؛ مانند ترجمه کلمات مفرد به جمع یا برعکس و نیز ترجمه جملات معلوم به مجهول و یا برعکس.

۶. تعدیل معنایی (semantic adjustment): قابل فهم بودن معنی در ترجمه از اهمیت خاصی برخوردار است؛ به همین سبب مترجم گاهی تعدیلاتی در مؤلفه‌های معنایی انجام می‌دهد که از آن جمله می‌توان به افزایش (expansion) یا کاهش

(reduction) عناصر واژگانی در ترجمه اشاره کرد.

۷. تعادل تقریبی (approximation): در تعادل تقریبی، ترجمه با متن اصلی ارزش یکسان (equivalence) ندارد، بلکه از نظر معنی و مفهوم مشابهتی با آن دارد. البته برخی از صاحب نظران، مانند هتیم و میسون، معتقدند چون تعادل کامل بین زبان‌ها امکان پذیر نیست و فقط تعادل نسبی امکان پذیر است، که اصلاً کاربرد کلمه equivalence در مطالعات ترجمه درست و دقیق نیست؛ آنچه در ترجمه قابل دست یابی است تعادل تقریبی (approximation) است.

بررسی تطبیقی و تحلیلی:

حالا به بررسی تطبیقی و تحلیلی قسمت‌هایی از دو ترجمه انگلیسی صحیفه سجّادیه می‌پردازیم. ترجمه اول از سید احمد موهانی (۱۹۸۴ / ۱۹۶۹ / ۱۹۲۹) و ترجمه دوم از ویلیام سی چیتیک (W.C. Chittick, ۱۹۸۷) است. هر دو ترجمه از متن اصلی عربی انجام شده‌اند و ما هم در این بررسی ترجمه‌های انگلیسی را با متن عربی مقابله می‌کنیم؛ اما برای آگاهی بیشتر آنان که عربی نمی‌دانند، ترجمه فارسی خود را نیز بعد از عربی آورده‌ایم.

۱. از دعای اول که با ستایش خدا آغاز می‌شود:

(۱) الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلاِ أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ وَ الْآخِرِ بِلاِ آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ

ستایش از آن الله است، اولی که قبل از او اولی وجود نداشته و آخری که بعد از او آخری وجود نخواهد داشت.

(A) Muhani: All praise is due to God, the First, before Whom there was no 'First' and the Last, after Whom there shall be no 'last'.

(B) Chittick: Praise belongs to God, the First, without a first before Him, the Last, without a last behind Him.

در ترجمه اول (A) کلمه الحمد به All Praise ترجمه شده، زیرا «ال» در اول آن به معنی استغراق در نظر گرفته شده و لذا هر حمد را در بر می‌گیرد. کلمه Praise نیز که بدون هیچ قیدی در ترجمه دوم (B) آمده درست است و می‌تواند شامل هر حمد بشود. تعادل معنایی در هر دو ترجمه با متن اصلی عربی برقرار است؛ اما تطابق صوری ترجمه اول با متن اصلی بیشتر از ترجمه دوم است؛ زیرا سبک ترجمه اول به متن عربی نزدیک‌تر است. در ترجمه دوم از ایجاز ادبی استفاده شده، لذا در مقایسه با متن اصلی از واژگان کمتری برخوردار است و کاهش (reduction) دارد.

(۲) الّذی قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَتِهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ وَ عَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ
چشمان بینندگان از دیدن او قاصر و اوهام وصف کنندگان از وصف او عاجزند.

(A)Muhani: The eyes of those who see fall short of seeing Him; the imagination of those who praise Him fall short of describing Him.

(B)Chittick: Beholders' eyes fall short of seeing Him, describers' imaginations are not able to depict Him.

در معادل‌های انگلیسی «الناظرین» و «الواصفین» در ترجمه اول افزایش (expansion) عناصر واژگانی وجود دارد و کلمه اوهام که جمع است به مفرد ترجمه شده است. در اینجا هم تعادل معنایی در هر دو ترجمه با متن اصلی به چشم می‌خورد؛ اما تطابق صوری و تناسب ترجمه دوم بیشتر از ترجمه اول است.

۲. از دعای هشتم :

(تمام شماره‌های داخل هلالین در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی از نگارنده است که به خاطر سهولت و نظم در کار بررسی تطبیقی و تحلیلی گذاشته شده‌اند.)

(۱) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَيْبَانَ الْحِرْصِ وَ سُوْرَةَ الْعُضْبِ وَ غَلْبَةَ الْحَسَدِ وَ ضَعْفِ

الصَّبْرُ وَقِلَّةُ الْقَنَاعَةِ وَشَكَاسَةُ الْخُلُقِ وَالْحَاحِ الشَّهْوَةِ وَمَلَكَةَ الْحَمِيَّةِ (۲) وَ مُتَابَعَةَ الْهُوَى
وَ مُخَالَفَةَ الْهُدَى وَ سِنَةَ الْغَفْلَةِ وَ تَعَاطِي الْكُلْفَةِ وَ اِثْنَارِ الْبَاطِلِ عَلَي الْحَقِّ وَ الْاِضْرَارِ عَلَي
الْمَأْتَمِّ وَ اسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ وَ اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ (۳) وَ مُبَاهَاتِ الْمُكْتَرَيْنِ وَالْاِزْرَاءِ بِالْمُقْلَيْنِ وَ
سُوءِ الْوَلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ اَيْدِينَا وَ تَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا (۴) اَوْ اَنْ نَعُضِدَ ظَالِمًا
اَوْ نَخْذُلَ مَلْهُوفًا اَوْ نُرْوِمَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقِّ اَوْ نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ .

خدایا، به تو پناه می‌آورم از:

(۱) هیجان حرص (برانگیخته شدن طمع)

(۲) حرارت خشم،

(۳) غلبه حسد،

(۴) ضعف صبر،

(۵) قلت قناعت،

(۶) تندى خلق،

(۷) فشار شهوت،

(۸) تمایل به تندى (زیاده روی غیرت)،

(۹) پیروی از هوى و هوس،

(۱۰) مخالفت با هدایت (حق) نانی و مطالعات فریبی

(۱۱) خواب غفلت،
رتال جامع علوم انسانی

(۱۲) عهده‌دار شدن کار پر زحمت

(توی درد سر افتادن)،

<p>(B) Chittick: O God, I seek refuge in Thee from (1)the agitation of craving, (2)the violence of wrath, (3)the domination of envy, (4)the frailty of patience, (5)the lack of contentment, (6)surliness of character, (7)urgency of passion, (8)the disposition to vehemence, (9)following caprice, (10)opposing guidance, (11)the sleep of heedlessness, (12)undertaking the toilsome, (13)preferring falsehood over truth, (14)persisting in sin, (15)making little of disobedience, (16)making much of obedience, (17)vying with the wealthy, (18)disparaging the poor, (19)guarding badly over those in our hands, (20)failing to thank those who have done good to us, (21)aiding a wrongdoer, (22)abandoning someone troubled, (23)wanting what is not rightfully ours, (24)and speaking about knowledge without knowledge.</p>	<p>(A) Muhani: O Lord, I implore thy protection from (1)the excitation of greed, from: (2)The impetuosity of anger, (3)The domination of envy, (4)The lack of patience, (5)The scarcity of contentment, (6)The depravity of morals, (7)The importunity of passion, (8)The excess of zeal, (9)The submission to desires, (10)The opposition to right, (11)The drowsiness of negligence, (12)The entrance into troubles, (13)The preferring of wrong to right, (14)Persistence in sins, (15)The underestimation of guilt, (16)The overestimation of service, (17)The pride of the wealthy, (18)The despising of the poor, (19)The abuse of power over those under our hands, (20)The failure to thank those who are kind to us, (21)Assisting the oppressor, (22)Forsaking the oppressed, (23)Aiming at that to which we are not entitled (24)And speaking in matters of learning without knowledge.</p>
---	--

در ترجمه اول (O Lord, A) ترجمه متناسبی برای «اللهم» نیست؛ این ترجمه برای «ربنا» متناسب است. قسمت بعدی جمله اول در هر دو ترجمه انگلیسی معادل متن اصلی است. ترجمه عبارات بعدی را به ترتیب شماره بررسی می‌کنیم:

(۱): کلمه **from** در آخر ترجمه اول زائد و قابل حذف است؛ بقیه این ترجمه با ترجمه دیگر مترادف و هر دو با متن اصلی معادل و مطابقت دارند. در شماره‌های (۲)، (۳)، (۴)، (۵)، (۶) و (۷) هر دو ترجمه انگلیسی از نظر معنی معادل، از نظر سبک مطابق و از نظر واژگان متناسب با متن اصلی عربی هستند. در شماره (۸) ترجمه دوم از نظر معنی به عربی نزدیک‌تر است؛ زیرا واژه **disposition** تناسب بیشتری با کلمه عربی «ملکه» دارد. عبارت ترجمه اول با در نظر گرفتن معنی کل متن می‌تواند تعادل تقریبی (**approximation**) با متن اصلی داشته باشد.

(۹): در این شماره، **The** در ابتدای ترجمه اول زائد است. از نظر تعادل معنایی، هر دو ترجمه معادل متن اصلی هستند؛ اما از نظر تناسب واژگانی، ترجمه دوم متناسب‌تر از اول است. ترجمه اول به معنی «اطاعت از امیال» و ترجمه دوم به معنی «پیروی از هوی و هوس» است. ویلیام چیتیک، مترجم دوم، در توضیح این قسمت از ترجمه خود چنین می‌نویسد: «اصطلاح **caprice** به معنی هر میلی است که برخلاف حق است و یا انسان را از هدایت الهی دور می‌کند» (۱۹۸۷: ۲۶۵). وی در تأیید این سخن خود، ترجمه انگلیسی سه آیه از قرآن کریم را که در آن‌ها کلمه «هوی» به کار رفته و در هر سه مورد به **caprice** ترجمه شده است، ذکر می‌کند؛ البته در اینجا لازم است یادآوری شود که کلمه «هوی» در آیات قرآن را برخی از مترجمان **desires** نیز ترجمه کرده‌اند. در شماره (۱۰) نیز تناسب کلمه عربی «هدی» با واژه انگلیسی **guidance** در ترجمه دوم بیشتر از واژه **right** در ترجمه اول است. در شماره (۱۱) هر دو ترجمه انگلیسی معادل متن اصلی هستند. در شماره‌های (۱۲) و (۱۳) **the** در ابتدای ترجمه اول قابل حذف است و هر دو ترجمه در این دو شماره از نظر معنی با متن اصلی معادل هستند. در شماره (۱۴) واژه **sin** (مفرد) در ترجمه دوم متناسب بیشتری با کلمه اصلی در متن عربی - که مفرد است - دارد؛ اما عبارت ترجمه

اول نیز از نظر معنی با متن تعادل دارد. واژه *disobedience* در شماره (۱۵) و واژه *obedience* در شماره (۱۶) که به ترتیب برای کلمات عربی «معصیه» و «طاعة» در ترجمه دوم به کار رفته‌اند، متناسب‌تر از واژه‌های *service* و *guilt* در ترجمه اول هستند. بقیه این دو شماره در دو ترجمه مترادفند.

(۱۷) : در این شماره، هم واژه *pride* (فخر فروشی) که برای کلمه عربی «مباهات» در ترجمه اول آمده و هم واژه *vying* (هم‌چشمی کردن) در ترجمه دوم، هر کدام از یک نظر متناسب است. هر دو ترجمه در شماره (۱۸) با متن اصلی عربی تعادل معنایی و تناسب واژگانی دارند. در شماره‌های (۱۸) تا (۲۴) گرچه در مواردی تفاوت‌های جزئی در تطابق ساختاری دو ترجمه به چشم می‌خورد، در نگاه کلی می‌توان گفت که هر دو ترجمه انگلیسی در این شماره‌ها مترادف هستند و با متن اصلی عربی تعادل معنایی دارند.

۳- از دعای چهل و هشتم :

الهِی اِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي وَاِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَاِنْ اَكْرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُهِنُّنِي وَاِنْ اَهَنْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُكْرِمُنِي وَاِنْ عَذَّبْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي وَاِنْ اَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ اَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ اَمْرِهِ وَاَقَدْ عَلِمْتُ اَنْهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَا لَا فِي نَقْمَتِكَ عَجَلَةٌ وَاِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ وَاِنَّمَا يَخْتِاجُ اِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَاَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا اَلِهِي عَنِ ذٰلِكَ عَلُوًّا كَبِيْرًا.

ای خدای من،

(۱) اگر تو مرا بلند کنی، کیست که مرا بیندازد؟

(۲) و اگر تو مرا بیندازی، کیست که بلندم کند؟

(۳) اگر مرا گرامی بداری، کیست که مرا خوار سازد؟

(۴) و اگر تو مرا خوار سازی، کیست که مرا گرامی بدارد؟

(۵) اگر تو مرا عذاب کنی، کیست که بر من رحم کند؟

- (۶) اگر تو مرا هلاک گردانی ، کیست که در مورد بندهات به تو اعتراض کند یا در مورد کار او تو را مورد سؤال قرار دهد؟
- (۷) (اما) من (یقین) می دانم که در حکم تو ظلمی نیست و در انتقام تو عجله ای وجود ندارد،
- (۸) کسی عجله می کند که خوف از دست دادن دارد و کسی احتیاج به ظلم کردن پیدا می کند که ضعیف است.
- (۹) اما تو ، ای خدای من ، بسیار متعالی تر از این (ها) هستی.

(A) Muhani:

My Lord,

- (1) if Thou exalt me, then who is the person to degrade me?
- (2) If Thou degrade me, then who is the person to raise me?
- (3) If Thou honor me, then who is the person to disgrace me?
- (4) If Thou disgrace me, then who is the person to honor me?
- (5) If Thou torment me, then who is the person that would pity me?
- (6) If Thou destroy me, then who is the person that would object to Thee in the matter of Thy servant, or question Thee concerning his affair.
- (6) I know for certain that there is no inequity in Thy sentence and no hurry in thy Chastisement.
- (7) Verily, hasty is he who fears failure. Verily, it is the weak that need to have recourse to injustice .
- (8) Whilst, Thou art far exalted above this.

(B) Chittick:

My God,

- (3) If Thou raisest me up, who is there to push me down?
(4) If Thou pushest me down, who is there to raise me up?
(5) If Thou honourest me, who is there to humiliate me?
(6) If Thou humiliatest me, who is there to honour me?
(7) If Thou chastisest me, who is there to have mercy upon me?
(8) If Thou destroyest me, who is there to stand up for Thy servant against Thee or ask Thee about his affair?
(9) But I know that there is no wrong in Thy decree and no hurry in Thy vengeance.
(10) He alone hurries who fears to miss, and only the weak needs to wrong.
(11) But Thou art exalted, my God, high indeed above all that!

عبارت انگلیسی My God در ابتدای ترجمه دوم برای متن عربی «الهی» مناسب‌تر است؛ زیرا واژه Lord (در ترجمه اول) برای ترجمه «رب» به کار می‌رود. در شماره‌های (۱) تا (۶) واژه انگلیسی then در ترجمه اول (A) به کار رفته که ترجمه‌ای از حرف ربط «ف» در اول کلمه «فَمَنْ» در متن اصلی عربی است؛ اما ترجمه دوم هم -که این کلمه را ندارد- درست است؛ زیرا علامت کاما (،) که در جای آن به کار رفته در زبان انگلیسی می‌تواند نقش آن را ایفا کند. گرچه در شماره‌های (۱) تا (۶) بین دو ترجمه انگلیسی تفاوت‌های جزئی در تطابق ساختاری و تناسب واژگانی به چشم می‌خورد، بین هر دو ترجمه با متن اصلی عربی به نحوی تعادل معنایی، تطابق ساختاری، و تناسب واژگانی وجود دارد؛ البته یادآوری این نکته لازم است که عبارت then who is the person که در شماره‌های (۱) تا (۶) در

ترجمه اول به کار رفته و ترجمه‌ای از عبارت عربی «فَمَنْ ذَا الَّذِي» است، از نظر تطابق ((correspondence صوری و تناسب (adequacy) واژگانی به متن اصلی عربی نزدیک‌تر از عبارت **who is there** در ترجمه دوم است.

در شماره (۷) واژه **But** در اول ترجمه دوم، ترجمه‌ای از حرف ربط «و» در متن عربی است که به علت «چرخش سخن» در جمله بعدی، به جای **And** به **But** - که حرف «تفکیک» است - ترجمه شده است. ترجمه اول نیز که حرف ربط «و» در اول آن ترجمه نشده از این نظر درست است. در ترجمه اول در این شماره عبارت **for certain** ترجمه‌ای از «قَدْ» در متن عربی است که برای تأکید بیشتر در درستی و قطعیت سخن است؛ اما معنی ترجمه دوم نیز بدون آن درست است. در ترجمه دوم واژه **vengeance** به معنی انتقام تناسب بیشتری با کلمه «نقمة» در متن عربی دارد؛ واژه **chastisement** در ترجمه اول نیز با در نظر گرفتن کل متن قابل قبول است. در شماره (۸) گرچه در دو ترجمه از دو ساختار نسبتاً متفاوت و واژگان ظاهراً ناهمگون استفاده شده، هر دو ترجمه از نظر معنی معادل متن اصلی هستند. واژه **verily** در ترجمه اول و **alone** در ترجمه دوم هر دو به خاطر وجود «انما» در متن عربی که برای «حصر» است، به کار رفته‌اند. این دو کلمه انگلیسی مترادف هم نیستند؛ اما هر یک در جمله خود به نحوی «حصر» را می‌رسانند. گرچه در ترجمه اول واژه **hasty** صفت و **failure** اسم است و در ترجمه دوم کلمات **hurries** و **miss** هر دو فعل هستند، با وجود این اختلاف در تناسب واژگانی و تطابق سبکی، هر یک از دو ترجمه در جمله اول به عنوان یک واحد معنایی، معادل متن اصلی است و با آن ارزش یکسان دارد. در جمله دوم این شماره باز هم واژه **verily** در ترجمه اول و **only** در ترجمه دوم هر دو برای رساندن معنی «حصر» - که در کلمه «انما» در متن عربی هست - به کار رفته‌اند. در قسمت آخر این شماره در ترجمه اول، معادل انگلیسی برای «و انما يحتاج الى الظلم الضعيف» افزایش واژگانی دارد. در شماره (۹) در ترجمه «یا الهی» ترجمه نشده و نیز «قَدْ» در متن عربی هم مورد توجه قرار نگرفته است. حرف «و» در اول متن عربی نیز به خاطر چرخش سخن در این جمله

در ترجمه اول به **whilst** و در ترجمه دوم به **But** برگردانده شده است. به طور کلی در این شماره ترجمه دوم (B) از نظر تعادل معنایی، تطابق سبکی و تناسب واژگانی به متن عربی نزدیک‌تر از ترجمه اول است.

نتیجه‌گیری:

در این مقاله قسمت‌هایی از دو ترجمه انگلیسی صحیفه سجّادیه از سه جای مختلف کتاب به طور تطبیقی و تحلیلی بررسی شد. در مورد قسمت‌های بررسی شده به طور کلی می‌توان گفت که ترجمه ویلیام سی چیتیک تعادل، تطابق و تناسب بیشتری با متن اصلی دارد؛ هرچند که در مواردی هم ترجمه موهانی متناسب‌تر است. هرکدام از این دو ترجمه، زیبایی زبانشناختی خود را دارد و می‌تواند یک متن ادبی زیبا در زبان انگلیسی به حساب آید؛ اما هیچ‌کدام آن‌ها زیبایی ظاهری و غنای معنایی متن اصلی را ندارد. در ترجمه موهانی گاهی به تعادل معنایی، بیشتر از تطابق سبکی و تناسب واژگانی توجه شده و لذا در مواردی افزایش (expansion) واژگانی در آن به چشم می‌خورد. تعادل تقریبی (approximation) در ترجمه موهانی بیشتر از ترجمه چیتیک است. کلمات زائد و قابل حذف، کلمات ترجمه نشده، تعدیلات معنایی (مانند افزایش و کاهش مؤلفه‌های معنایی) و تعدیلات ساختاری (مانند ترجمه جمع به مفرد و فعل به صفت) نیز در ترجمه موهانی دیده می‌شود.

ویلیام سی چیتیک به گفته خود در ترجمه صحیفه از روش پروفیسور آربری در ترجمه قرآن استفاده کرده و سعی نموده است تا آنجا که امکان داشته ضمن حفظ معنی و عرضه متنی سلیس و قابل فهم در زبان انگلیسی، سبک متن اصلی را نیز مورد توجه قرار دهد. وی به‌ویژه تلاش کرده معادل اصطلاحات متن اصلی را در ترجمه خود حفظ کند و معتقد است «معنی» متن اصلی بدون توجه لازم به «صورت» آن قابل درک نیست. از دیدگاه چیتیک همین توجه لازم به سبک و صورت و اصطلاحات متن اصلی است که ترجمه وی را به طور ویژه از ترجمه سید احمد علی موهانی - که قبلاً در اوتارپرادش هند منتشر شده - متفاوت می‌کند (۱۹۸۷: ۱۷). پروفیسور آربری هم

در مقدمه ترجمه انگلیسی خود از قرآن کریم نظر مشابهی دارد و معتقد است پیش کسوتان او در ترجمه قرآن به زبان انگلیسی توجه لازم و کافی به سبک شکوهمند قرآن نکرده‌اند و لذا تلاش او در ترجمه قرآن بر این بوده است که انعکاسی هرچند ضعیف از آن سبک تقلید ناشدنی را در ترجمه خود داشته باشد و به نحوی این کمبود ترجمه‌های پیشین را جبران کند. آربری بر این نظر است که «قرآن» نه نظم است و نه نثر، بلکه ترکیبی بی‌همتا است از هر دو (۱۹۷۲).

ترجمه موهانی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، اولین بار در ۳۱ - ۱۹۲۹ در اوتارپرادش هند منتشر شد و در ۷۰ - ۱۹۶۹ چاپ دوم با اصطلاحات م، ح، خان انتشار یافت. نسخه مورد استفاده در این بررسی از انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۹۸۴ است که لاله بختیار و دکتر ضیاء سعدی آن را ویرایش کرده‌اند؛ همانطور که قبلاً هم اشاره شد، در یک دید کلی می‌توان گفت که توجه به تعادل معنایی، تطابق سبکی و تناسب واژگانی در ترجمه چیتیک بیشتر از ترجمه موهانی است.

فهرست منابع:

- امام زین العابدین، علی بن الحسین (ع). صحیفه سجادیه. به همراه ترجمه انگلیسی ویلیام سی چیتیک، بریتانیا، ۱۹۸۷.
- موسوی، منوچهر. فرهنگ منظوم و منثور ضرب‌المثل‌های فارسی و معادل‌های انگلیسی آن‌ها. تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه، ۱۳۷۹.
- Abdul-Raof, H. **Our' an Translation: Discourse, Texture and Exegesis**, Curzon Press, Great Britain, 2001.
- Arberry, A. J. , **The Koran Interpreted**, Oxford University Press, London, 1972.
- Chittick, W.C. (Translator) , **The Psalms of Islam**: Al-Sahifat Al-Kamilat Al- Sajjadiyya, Imam Zany

- al-'Abidin 'Ali ibn Al-Husayn, Published by The Muhammdi Trust, Great Britain, 1987.
- Hatim, B. and Mason, I. , **Discourse and the Translator**, Longman, London, 1990.
 - Muhani, S. A. (Translator), **Imam Zain al-Abidin's Al-Sahifah Al-Sajjadiyyah**, Edited by Laleh Bakhtiar and Dr. Ziya, Sa'adi, Islamic Propagation Organization, Tehran, 1984.
 - Nida, E.A., **Toward a Science of Translating** : With Special Reference to Principles and Procedures Involved in Bible Translating, Leiden: E. J. Brill, 1964.
 - Nida, E.A. and C.R. Taber, **The Theory and Practice of Translation**, Leiden : E.J. Brill, 1969.
 - Penrice, J., **A Dictionary and Glossary of the Koran**, Gaurav Publishing House, New Delhi, 1987.
 - Reiss, K., **Translation Criticism** – The Potentials and Limitations, Translated by E. F. Rhodes, St. Jerome Publishing, Manchester, 2000.
 - Shuttleworth, M. and M. Cowie, **Dictionary of Translation Studies**, St. Jerome publishing, Manchester, 1997.